

شکوفایی نگاه معرفت شناختی معلمان در تعلیم و تربیت دانش آموزان (عقلانیت به مثابه جوهره زندگی)

فریبرز اصل مرز^۱، علی اصغر غلامی^۲

۱. دکترای روان‌شناختی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران. نویسنده مسئول.
۲. کارشناس آموزش ابتدایی و ناظم مدرسه ابتدایی شهید صید میرزایی آموزش و پرورش شهرستان آبدانان از توابع استان ایلام.

چکیده

پژوهش حاضر، به بررسی نگاه معرفت شناختی و عقلانی معلمان در راستای تعلیم و تربیت و هدایت دانش آموزان در جهت توسعه و رشد عقلانیت و بُعد عقلانی آنان می‌پردازد. روش مورد استفاده این پژوهش کیفی و از نوع توصیفی است که در گروه تحقیقات کاربردی اهمیت دارد. جامعه مورد مطالعه، شامل کلیه معلمان، مشاوران و مدیران مدارس ۶ شهر کشور بوده که ۲۶ نفر از پرسنل مدارس مختلف شهرهای مزبور به روش نمونه‌گیری داوطلبانه که بر پایه‌های نظری (پرسش و مشاهده)، استوار است، انتخاب شدند. تحلیل یافته‌ها، نشان داد معلم به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری در ابعاد وجودی دانش آموزان از جمله بُعد عقلانی و شناختی آنها در تعلیم و تربیت، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. معلم می‌تواند در هر شرایطی برای شکوفایی و معرفت‌افزایی دانش آموزان، آنان را به دیدن معنای خلقت تحریک نماید و این نوع مشاهده به معرفت عقلی و شناختی کمک می‌نماید، قدرت عقلی او را رشد می‌دهد، راه را از بیراهه تمییز داده و به راه راست رهنمون می‌گردد. معرفتی که زمینه‌ساز سعادت ابدی او را فراهم ساخته و به سوی لذت دائمی هدایت می‌شود. این معرفت از مهم‌ترین معرفت‌هاست. معرفتی که به شناخت و آگاهی در باره خالق هستی و هستی می‌انجامد و سرانجام، فرجام هستی را می‌داند و خوبی‌ها را درک می‌کند. نتیجه می‌گیریم معلم می‌تواند زمینه‌ای را فراهم سازد که دانش آموزان بتوانند در باره دنیای اطراف خویش به دیدن و گوش دادن بپردازند. دانش آموزان با دیدن پدیده‌های ریز و درشت دنیای اطراف اگر به تأمل و تدبر بپردازند، می‌توانند به رشد و شکوفایی عقلی برسند.

واژه‌های کلیدی: معلم، معرفت شناختی، تعلیم و تربیت، دانش آموز.

مقدمه

از آنجا که انسان موجودی عاقل است و می تواند به حل مسائل مختلف زندگی و جامعه خود بپردازد، طبیعی است که اگر به این مطلب؛ یعنی پرورش عقل، این مسأله که انسان می تواند مسائل خودش را شناسایی و حل کند، توجه نشود، در واقع برنامه تربیتی به هدف و نتیجه نرسیده است. اندیشیدن و تفکر به عنوان یک امتیاز انسان و به عنوان یک زمینه که می تواند تمام جهات زندگی انسان را بارور کند، لازم است به عنوان مبناء و اصل در تربیت مورد توجه قرار بگیرد و روی این زمینه کار شود. اگر به این مطلب عنایت شود، به طور کلی انسان را در یکی از ابعاد مهم شخصیتی رشد داده و پیش برده ایم و توانسته ایم انسانیت را که از امتیازات خاص آدمی است، به او بدهیم و از این جهت او را شکوفا ساخته ایم. در خصوص تعلیم و تربیت می توان گفت، جهت نائل شدن به این اهداف، داشتن قوه عقلانی یک ضرورت است. بنابراین، هر چقدر میزان عقل ورزی در انسان دارای درجات عالی تری باشد، به اهداف تعلیم و تربیت، بهتر دست خواهیم یافت. در باره عقلانیت به عنوان بزرگ ترین و ارزشمندترین فضیلت ذهنی آدمی یا به تعبیر دقیق تری بزرگ ترین و ارزشمندترین فضیلت فکری، عقیدتی و معرفتی آدمی باید یاد کرد؛ و هرکس که عقلانی زندگی نمی کند، نه فقط خودش را در جهت ذهنی، فکری، عقیدتی، معرفتی عقب نگه داشته، بلکه به لحاظ ارزش های اخلاقی و معنوی هم خودش را محروم کرده است. ما وقتی عقلانی زندگی می کنیم که علاوه بر آثار و نتایج بسیار نیکوی دیگری که بر این نحوه زندگی مترتب است، در حال رشد اخلاقی هم خواهیم بود و از لحاظ معنوی هم ارتقاء و تعالی پیدا می کنیم (ملکیان، ۱۳۸۹).

اصولاً اگر نعمت عقل نباشد، انسان به فکر رسیدن به قله های کمال و انسانیت نخواهد اندیشید و همانند جانداران دیگر اسیر شهوات و غرایز دنیایی خواهد بود. لذا، معلم می تواند در کنار ارتباط سازنده با دانش آموزان و احساس مسئولیت به کارگیری مهارت ها و راهبردها و روش های شناختی از طریق مدیریت و ساختارهای معمول کلاسی هم بر ادراک خویشتن دانش آموزان و هم از کفایت و کنترل خود تأثیر بگذارد (کاوه و همکاران، ۱۳۹۵).

ابن سینا، به تربیت اخلاقی، تعهد و تعقل ورزی معلم تأکید داشت و معتقد بود مربی باید عاقل، متدین، بصیر، مؤدب و ماهر در تربیت کودکان، پاکیزه و با انصاف باشد. زیرا معلم سرمشق مورد اعتماد محصل به شمار می رود و هم اوست که در صورت صفات انسانی مذکور می تواند آنها را در کودکان به وجود آورد. خوش خلقی و معرفت شناختی معلم امری ضروری است. چرا که معلم باید برای نفوذ در دل کودک بکوشد و این بدون داشتن شناخت، اخلاق و کردار خوب امکان ندارد. (شعاری نژاد، ۱۳۹۵).

از دیدگاه امام محمد غزالی، هدف از تعلیم و تربیت کودکان نزدیک شدن به خداست و آموزش و پرورش نیز باید همین هدف را داشته باشد. او آموزگار را به تفکر و تعهد در برابر خدا در امر تعلیم و تربیت کودکان توصیه فرموده و معلم را از هر گونه فخر، تظاهر و رقابتی که به حقه و نفرت منجر می شود، برحذر می دارد. وی معتقد است که تربیت باید اخلاق زشت را از شخص دور کند و اخلاف نیکو را در او ایجاد نماید. به نظر او شغل معلمی از شریف ترین مشاغل و برترین هنری است که انسان می تواند به عهده بگیرد و نسبت به آن متعهد، متفکر و مسئول باشد. او در وصف حرفه معلمی می گوید: معلم در قلب و روح انسان نفوذ می کند. بدون تردید شریف ترین مخلوق روی زمین انسان است و شریف ترین قسمت انسان قلب اوست که کار معلم پاکسازی فکر و روح دانش آموز و راهنمایی او به سوی خداوند است. (شعاری نژاد، ۱۳۹۵).

از نظر خواجه نصیرالدین طوسی، کمال انسانی آنگاه ممکن است که هم تربیت و هم تهذیب در کار باشد. به سخن دیگر تربیت و تهذیب، در واقع متفکر، متعهد و اخلاقی بار آوردن مردان و زنانی است که عقیف و دارای اراده قوی باشند، فضیلت را دوست بدارند و در کارها و اعمالشان رضایت خدا را در نظر بگیرند. او می گوید: آدمی چنان آفریده شده است که می تواند به هر خلق و خویی در آید. پس باید بر کارهایی که به خویشتن داری و دوری از تجمل و لذت جویی می انجامد، تأکید کرد. او معتقد است به کودک باید فن تفکر و شناخت زندگی و علم اخلاق آموخت و از سخن های زشت و لہو و بازی و مسخرگی وی را به دور داشت و از افتخار کردن به مال و منال نزد یکدیگر و پدر و مادر منع کرد و وظایف و سنن دینی، تعهد، مسئولیت، تواضع و مهر و محبت و اکرام کردن و اندیشیدن را به او بیاموزند. (نقیب زاده، ۱۳۹۴).

به عقیده وبر، فردی که شیوه زندگی اش زهدگرایی این جهان باشد یک انسان عقلانی است؛ نه صرفاً^۱ به این دلیل که رفتارهای خود را به صورتی عقلانی قاعده مند می کند، بلکه به این دلیل نیز که او هر آن چیزی را که از نظر اخلاقی غیر عقلانی، زیباشناختی، یا وابسته به بازتاب های احساسی او نسبت به جهان و نهادهای آن باشد، مردود می شمارد. تنها، آن زندگی می تواند بر حالت طبیعی غلبه کند که توسط تفکر و اندیشه هدایت شود (ماکس وبر^۱، ۲۰۰۴).

در حقیقت، همه اعمال هدفمند عقلانی، میزان بسط و گسترش معنایی است که آگاهانه به عمل پیوند خورده است و به مثابه راهی تلقی می شود که بدون توجه به رفتار خود، یقین به رستگاری دارد و این مفهوم عقلانیت، همانا به مثابه جوهره زندگی و فعلیت بخشیدن به خود و ارزش های انسانی و عقلانی است (وبر^۲، ۲۰۰۹).

در حقیقت، دانش معرفت شناسی در ارتباط با موضوع و مباحث تعلیم و تربیت از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا مسائل مهم تعلیم و تربیت تعیین کننده جهت و مقصد حرکت آدمی است و نهایت و سرانجامی است که کار به سوی آن نشانه می رود. به خصوص، اصل استدلال ورزی و روش های عقلانی معلم که موضوع این مقاله است باید چنان تأثیری در دانش آموز ایجاد نماید که بتواند در مسیر زندگی خویش به کشف مجهولات و رسیدن به حقایق نائل شود. بنابراین، سؤال اصلی این است تا چه میزان نگاه معرفت شناختی معلمان در تعلیم و تربیت دانش آموزان تأثیر گذار بوده است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش های توصیفی است که در گروه تحقیقات کاربردی قرار می گیرد. روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع کیفی و به کمک تحلیل افکار که یکی از روش های علمی برای بررسی محتوای مباحث معرفت شناختی است، می باشد. جامعه مورد مطالعه، شامل کلیه معلمان، مشاوران و مدیران مدارس شهرهای اصفهان، کرمانشاه، لرستان، ایلام، خوزستان و همدان به عنوان مخاطبین این تحقیق می باشند که ۲۶ نفر از پرسنل مدارس مختلف شهرهای مزبور به روش نمونه گیری داوطلبانه انتخاب شدند. همان طوری که منطق و مبنای آن کیفی تلقی؛ تحقیق بر پایه های نظری (پرسش و مشاهده)، استوار است.

روش اجرا

روش اجرای مباحث معرفت شناختی در این پژوهش به این گونه می باشد که پس از آن که مباحث مورد مطالعه تفسیری قرار گرفت، آن را با پرسش ها و اهداف پژوهش ارتباط می دهیم. سپس، نمادهای هویت ملی که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفتند از عملکردهای واقعی معلمان استخراج گردید. این روش یکی از رایج ترین روش ها برای پاییی در تحلیل مباحث معرفت شناختی است که پژوهشگران برای اطمینان یافتن از پاییی تحلیل افکار بر آن توافق دارند. برای تجزیه و تحلیل نتایج این پژوهش از یافته های توصیفی استفاده شده است؛ به این صورت که با مراجعه به معلمان مدارس در قالب تحلیل نقطه نظرات آنان که مورد بحث پژوهش بود، قلم فرسایی و گزارش شده است.

یافته های پژوهش

روان شناسان برای بهبود کیفیت و ارتقاء یادگیری و فراگیری به ابزار دیداری تأکید بسیار دارند. آنها معتقدند، گاهی یک عکس معادل ده هزار لغت و عبارت است (احدیان، ۱۳۹۳). عکس ها و تصاویر زیبا و مربوط به مفاهیم و مطالب تهیه شده در کیفیت و ماهیت معرفت شناختی آدمی و جهان خلقت نقش اساسی دارند. گاهی یک عکس خوب و معنادار بیشتر از نوشته در رشد و شکوفایی انسان مؤثرتر می باشد. مشاهده نمودن طبیعت و خلقت های بدیع و بی مانند جهان طبیعت و شگفتی های آن و زیبایی گل ها و میوه ها و هر آنچه که در اطراف ما قرار دارد مورد توجه صاحب نظران تعلیم و تربیت و روان شناسان است تا از مشاهده آنها و تأمل در همه این نشانه ها، توجه بندگان را به صاحب نشان معطوف سازد. بنابراین، اگر می خواهیم انسان هایی سالم داشته باشیم، ناگزیر از آن هستیم که راه سالم زیستن را از کودکی به افراد بیاموزیم و راه سالم زیستن همان راه سالم

^۱. Weber, Max.

^۲. Weber.

اندیشیدن است. اگر والدین، معلمان و جامعه بتوانند چگونه سالم اندیشیدن را به کودکان بیاموزند، انسان هایی سالم تر و دنیایی بهتر خواهیم داشت (بارنز^۳، ۲۰۰۰). همچنین، مشاهده و نگاه نمودن یکی از ابزارهای است که خداوند مهربان برای معرفت افزایی و شکوفایی بصیرت و عقلانیت و راه یابی به حقایق عالم، ما را به ابزار آن تجهیز نموده و مأمور به دیدن و تماشا نمودن پدیده های اطراف مان شده ایم. چشم یکی از ابزار مهمی برای دست یابی به موجودات اطراف ما می باشد. کارکرد چشم امری نیست که بتوان در آن شک و تردید نمود. انسان وقتی به دیدن آثار تاریخی و باستانی می رود و یا در کنار دریا به قدم زدن می پردازد و یا در قله کوه رفته به تماشای مناظر می ایستد، می تواند دو گونه به این پدیده ها نگاه کند؛ یکی این که به شکل و زیبایی ظاهری اشیاء بنگرد و از مظاهر و جلوه های آن ها، لذت ببرد و دیگر این که با این نگاه ظاهری به خالق آن ها و اداره کننده و مدیریت کننده آن ها نیز بیندیشد. این دو نوع نگاه، با هم فرق های اساسی و آثار متفاوتی دارد. این شخص بیننده است که چگونه نظر نماید. لذا، انسان ها را از همین تماشای ساده ظاهری می توان به عمق و حقیقت هستی توجه داد و قدرت عقلی او را رشد داده و به راه راست رهنمون گردد. حال آن که معرفت شناختی و تفکر منطقی، انسان را به سوی هماهنگی و سلامت سوق می دهد، تعارض فرد را به حداقل می رساند و او را در شکل دادن به وظایف و ارتباط با جهان یاری می دهد. فکر منطقی به رضایت بیشتری منجر می شود و کمک می کند انسان بتواند از عهده حوادث برآید و نگاه روشنی به آنها داشته باشد (فیشر^۴، ۲۰۰۷).

معلم نیز می تواند با نگاهی دوستانه، صمیمی و نرم خویی و مهربانی در عمق روان دانش آموزان نفوذ نماید و با پذیرش روانی، هدف های تربیتی را به سادگی اجراء سازد و یکی از اهداف مهم و عمده تعلیم و تربیت رشد و شکوفایی بُعد عقلانی و شناختی و معرفتی آن ها است. مطالعات و پژوهش هایی که توسط ونگ، هارتل و والبرگ اجراء شد، نشان داد که جو کلاس یکی از مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت دانش آموزان است. فضای گرم و صمیمی و حمایتی کلاس درس، در عزت نفس دانش آموزان و مشارکت آن ها رابطه عمیق دارد. مهم ترین جنبه از جو کلاس، رابطه بین معلم و دانش آموزان است. رابطه صمیمی و محبت آمیز باعث مؤفقت های شناختی و عاطفی دانش آموزان می شود (دانیل، ۱۳۹۷). قاعدتاً، در فضای صمیمی و روابط محبت آمیز بین دانش آموزان برای آن ها این فرصت به وجود می آید که در امور کلاس شرکت نمایند و معلم را با تمام وجود پذیرا گردند و از همین فضای گرم، معلم می تواند انگیزه های دانش آموزان را تقویت نموده و آن ها را برای امور کلاس و مشارکت بیشتر تحریک نماید. در چنین روابط عمیق عاطفی و اخلاقی، آن ها جرأت می یابند تا حضور روانی و علمی بیشتری در کلاس داشته باشند و به آسانی پرسش کنند و اظهارنظر نمایند (افروز، ۱۳۹۳).

بدین منظور، از دانش آموزان سؤالاتی مبنی بر اهمیت و کاربرد معرفت شناختی عقلی و تأثیر پذیری آنان از معلمان به عمل آمد. همینطور سؤال شد راهکارهایی برای درگیر شدن و ایجاد علاقه جهت مشارکت در کارهای فکری که مدنظرشان هست ارائه دهند. سؤال شد تأثیر پذیری و تفکر در جهان هستی را چگونه می بینند؟ همچنین سؤال شد تا چه اندازه نقش مدرسه، معلمان و آموزش و پرورش می تواند در تقویت قوه عقلانی آنها مؤثر باشد؟ سپس بعد از پرسش، مصاحبه و جمع آوری اطلاعات و ارائه نقطه نظرات دانش آموزان، با معلمان، مشاوران و کادر آموزشی و پرورشی مدارس مورد نظر، به مصاحبه، مشورت و تبادل اطلاعات پرداخته تا راه حل های لازم و اثربخش بیشتر را برای توسعه عقلی و شناختی دانش آموزان بیابیم. از جمله، در یک جمع بندی پس از معرفی طرح پژوهش برای همکاران هر مدرسه در ۶ استان کشور، مصاحبه با هر کدام از معلمان، مشاوران یا مدیرانی که داوطلب انجام مصاحبه بودند، انجام گرفت. به این ترتیب، در اصفهان پس از مصاحبه در ۴ مدرسه، کرمانشاه در ۲ مدرسه، لرستان در ۶ مدرسه، ایلام در ۷ مدرسه، خوزستان در ۳ مدرسه و همدان پس از ۴ مصاحبه و در مجموع با انجام ۲۶ مصاحبه در ۶ شهر به اشباع داده ها در باره سؤالات مطرح شده رسیدیم. لازم به توضیح است که در هر مدرسه یک مصاحبه انجام گردید. معیار اصلی ورود شرکت کنندگان به پژوهش داشتن ۱۲ سال سابقه تدریس، مدیریت یا

^۳. Barnes.

^۴. Fisher.

مشاوره در مدارس بود. این روش می باید به گونه ای استفاده شود که به دانش آموزان آسیب و صدمه ای وارد نشود و این مکانیسم جزء قوانین اخلاقی این شیوه است.

بر اساس نتایج یافته ها، از آنجا که همه دانش آموزان فرصت های برابری برای مشارکت در بحث های کلاس را ندارند، معلمان باید برای فضای حاکم بر کلاس ساختار غیر تهدید آمیز و حمایت کننده پدید آورند، به نحوی که در آن از آرای متفاوت استقبال شود و نقطه نظر هر دانش آموز با ارزش تلقی شود. شاگردان نیامده اند که فقط محتوای درس را فرا گیرند. آنها می آیند که در باره خود و نحوه قبول احساسات خویش نیز بیاموزند. این یافته های علمی می گوید: در نظام کار آمد و پویا و مترقی مقررات و قوانین سخت و رفتارهای غیر علمی نتایج زیان باری در پی خواهد داشت. از این رو ساختارهای نظام آموزشی باید بر اساس روابط متعالی انسانی و کرامت آدمی استوار گردد که در آن مدرسه و کلاس درس، محیطی دلپذیر و پذیرا، جذاب و خوش آیند برای دانش آموزان باشد. همچنین فضای آموزشی، فضایی صمیمی باشد که در آن هرکس در نقش خود احساس امنیت، فضیلت و احترام و کرامت نماید. علاوه بر این، مهم ترین عاملی که می تواند معلم را در رسیدن به اهداف عالی تربیت نیروی انسانی (تعلیم و تربیت)، یاری رساند توجه به شأن و کرامت انسان ها در تدریس و ساختن انسان های توانمند، خلاق و متعهد است تا در آینده جامعه با کار و تلاش فرزندان خود به جایگاه اصلی خویش برسد (قربانی، ۱۳۹۷).

روان شناسی پرورشی می گوید: وقتی کودکان و نوجوانان در سر کلاس معلم محبوب خود، با نهایت میل و رغبت و انگیزه و اشتیهای روانی به مطلب درس گوش جان می سپارند، یاد گیری به شایسته ترین وجه صورت می پذیرد. اما زمانی که به دلایلی دانش آموزان نگرش خوش آیندی به مدرسه و کلاس و معلم ندارند، بی اشتیهای روانی و تحصیلی وجودشان را فرا گرفته و همه درس و بحث، اجبار و تحمیلی بیش نخواهد بود و به زودی مطالب آموخته شده را فراموش می کنند و بی اشتیهای و تهوع روانی برای آنها ایجاد می شود. (افروز، ۱۳۹۳). در واقع، معلم و نقش آن در تعلیم و تربیت از مسائلی نیست که در آن کسی تردید روا دارد. معلم از عوامل مهم تأثیرگذار در امور تعلیم و تربیت می باشد که در تمامی عرصه های وجودی متریبان از جمله بُعد عقلانی دانش آموزان می تواند نقش عمده و مهمی ایفاء نماید.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر، با هدف تأثیرگذاری معرفت شناختی و نگاه عقلانی معلمان و اثربخشی آن در تعلیم و تربیت دانش آموزان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد معلمان مکرراً بر محتوای یادگیری، توجه و تأکید دارند تا بر فرآیند یادگیری. آنها به دانش آموزان می آموزند که به چه فکر کنند نه اینکه به آنها کمک کنند تا چگونه اندیشیدن را بیاموزند. طراحی کنندگان برنامه های آموزش تفکر سعی دارند تا چنین شرایطی را به گونه ای اصلاح کنند تا دانش آموزان در مورد خودشان به عنوان یادگیرنده و متفکر بیاموزند (برنسفورد^۵، ۲۰۰۵). این یافته ها در مطالعه سیاروچی^۶ (۲۰۰۴)، و لیپمن^۷ (۲۰۱۱) تأیید گردید. خصوصاً، آموزش تفکر به دانش آموزان کمک می کند تا احساس بهتری نسبت به خود داشته باشند و خودکارآمدی بالاتری را تجربه کنند. اطمینان بیشتر نسبت به توانایی های خود، می تواند احساس خودکم بینی را در فرد کاهش دهد. از دیگر سو، نتایج این پژوهش نشان داد این روش افراد را به سوی تفکر منطقی سوق می دهد. فلسفه وجودی این روش، آموزش صحیح اندیشیدن به دانش آموزان است. استدلال منطقی، دانش آموزان را تشویق می کند که با یکدیگر مسائل را حل کنند. بنابراین، نگاه معرفت شناختی معلمان در تعلیم و تربیت دانش آموزان باعث افزایش قدرت استدلال و تفکر کودکان شده و آنها به عنوان انسان هایی متفکتر، انعطاف پذیرتر، با ملاحظه تر و منطقی تر بار آمده و از قدرت تمییز، داوری و استدلال بالاتری برخوردار

^۵. Bransford.

^۶. Ciarrochi.

^۷. Lipman.

خواهند شد (برگ^۸، ۲۰۰۳). این نتایج، با یافته های پژوهش مهتا و وایت برد^۹ (۲۰۰۵)، و لاکي^{۱۰} (۲۰۰۶)، همسو هستند. از مباحث فوق به این نتیجه می رسیم که برای رشد عقلانی دانش آموزان از شیوه های گوناگون استفاده می شود. از جمله آنها، می توان شیوه های غیر مستقیم و زمینه ساز و شیوه های مسقیم را نام برد. نتایج تحقیق نشان داد، نگاه کردن، گوش دادن، محبت ورزیدن می تواند از شیوه های غیر مستقیم به حساب آمده و ضرب المثل ها و قصه گویی و گردش علمی می تواند به طور مستقیم به رشد و شکوفا سازی دانش آموزان در جهت دهی ساحت عقلی آن ها کمک نماید. این روش ها، در روان شناسی و تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گرفته است. چشم و قلب از ابزاری مفید و مؤثر در کسب آگاهی و دانش ما می باشد. مشاهده و نگاه نمودن از ابزار حسی است و از نظر معرفت زایی و معرفت بخشی دارای اعتبار و ارزش است. ما مأمور به مشاهده و توجه به پدیده های موجود در اطراف مان هستیم و باید از نگاه نمودن به آن ها برای معرفت و دانش خویش از جمله علوم تجربی و طبیعی بهره ببریم. محبت کردن در کلاس سبب می شود مشارکت و حضور روانی بیشتر فراهم گردد و همین امر بستری را به وجود می آورد که در نهایت باعث رشد و شکوفایی جنبه های عاطفی، شناختی، و عقلانی انسان می گردد. همچنین، ضرب المثل های مناسب نقش فوق العاده حساس و غیر قابل انکاری را برای روشن شدن و دل نشین کردن حقایق دارند. گاهی ذکر یک مثال مناسب دریایی از معرفت و شناخت نسبت به موضوعی را برای دانش آموزان ارائه می نماید. معلم از این طریق نیز می تواند نقش تأثیرگذار در تربیت و شکوفایی شناخت و بُعد عقلانی متربیان داشته باشد تا آنها نیز به رشد و توانایی عقلی برسند و از ضرب المثل ها درس هدایت و معرفت بگیرند، معرفتی که به شناخت از خویشتن منجر شده و خوبی ها را درک می کند (قائدی، ۱۳۹۴).

یکی دیگر از روش های مستقیم برای شکوفا سازی و معرفت افزایی دانش آموزان روش داستان و قصه گویی است که ما را به مشاهده احوال پیشینیان و سیر در احوال ملت ها دعوت می نماید. این دعوت های مکرر نشانه تأکید و اهمیت مسأله است تا دانش آموزان نیز در تاریخ گذشتگان تأمل نموده و از آن به عنوان عوامل ارتقاء دهنده و شکوفا سازی اندیشه و معرفت خویش بهره ببرند و در باره آن اندیشه نمایند و از این طریق بُعد عقلانی خود را توسعه بخشند (ناجی، ۱۳۹۶). همین طور، یکی دیگر از شیوه هایی که بر رشد و شکوفایی دانش آموزان می تواند تأثیر بگذارد، گردش علمی است. از منظر فلسفه تعلیم و تربیت، تأکید دارد همواره برای ارتقای آگاهی خویش به کاوش و پژوهش بپردازیم و در پی علم و دانش و اندیشه و کشف پدیده های نو باشیم؛ چرا که همین امر باعث تأمل و رشد شناختی ما می گردد.

از این رو، گردش و اردوی علمی می تواند جنبه علم اندوزی، دانش افزایی، رشد و شکوفایی معرفت و شناخت انسان را در عرصه های مختلف در پی داشته باشد و برای معلمان و دانش آموزان نیز مفید و کارآمد می باشد. به خصوص، این شیوه به دانش آموزان امکان می دهد از طریق مشاهده طبیعت، وقایع، فعالیت ها و اشیاء را از نزدیک نظاره گر بوده و به دانش و معرفت خویش رشد و شکوفایی بخشند و در بهبود مهارت های شناختی و اجتماعی دانش آموزان مؤثر واقع شود.

در نتیجه، انجام این پژوهش با محدودیت های زیادی همراه بود که مهم ترین آن عدم امکان مداخله در برنامه آموزش مدرسه و زمان بندی اجرای برنامه به روشی منظم تر بود. همچنین، این پژوهش ممکن است در شرایط و سنین مختلف سنی همگی آن ها مورد استفاده قرار نگیرد و بسته به شرایط مکانی و زمانی و مخاطبین، مورد استفاده قرار گیرد. پیشنهاد می شود باید به نکات و اصول روان شناسی تربیتی توجه نمود، به دانش آموزان اجازه دهیم که ایده و نظرشان را در باره مسائل ابراز نمایند. باید فضای پذیرا در کلاس فراهم آوریم تا زمینه حضور روانی و علمی بیشتر دانش آموزان فراهم گردد. همچنین، پیشنهاد می شود، به دانش آموزان فرصت فراوان داد تا در امور مختلف کلاس مشارکت نموده و تفکر کنند.

^۸. Burg.

^۹. Mehta & Whitebeard.

^{۱۰}. Lukey.

منابع

۱. احدیان، محمد (۱۳۹۳). مقدمات تکنولوژی آموزشی، تهران: انتشارات بشری.
۲. افروز، غلامعلی (۱۳۹۳). روان شناسی تربیتی کاربردی، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۳. دانیل مويس (۱۳۹۷). آموزش مؤثر، مترجم، محمدعلی بشارت. تهران: انتشارات رشد.
۴. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۵). فلسفه آموزش و پرورش، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵. قائدی، یحیی (۱۳۹۴). پایه های نظری آموزش مهارت های تفکر در کودکان، تهران: نشر دواوین.
۶. قربانی، مهری (۱۳۹۷). جایگاه معلم در برخی نظام های آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
۷. کاوه، حمیدرضا؛ آزاده فکری و علیرضا فکری (۱۳۹۵). معلم و خلاقیت، اولین کنفرانس بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی، مدیریت و روان شناسی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
۸. ملکیان، مصطفی (۱۳۸۹). عقلانیت و معنویت بعد از ده سال، ماهنامه مهرنامه، شماره ۳.
۹. ناجی، سعید (۱۳۹۶). کند و کاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان، گفتگو با پیشگامان آموزش و پرورش، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۰. نقیب زاده، میرعبدالحسین (۱۳۹۴). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران: انتشارات طهوری.
۱۱. Barnes, R. (۲۰۰۰). Mrs miggins in the classroom. *British Journal of Special Education*, ۲۷(۱): ۲۲-۲۸.
۱۲. Bransford, J. D. (۲۰۰۵). Philosophical thinking in children. *Research Papers in Education*. ۲۲(۱): ۷۵-۸۹.
۱۳. Burg, G. (۲۰۰۳). Philosophy in schools: Education for democracy or democratic education. critical & creative thinking. *The Australian Journal of Philosophy for children*, ۱۱(۲): ۱۸-۳۰.
۱۴. Ciarrochi, J. (۲۰۰۴). Relationships between Dysfunctional Beliefs and Negative indices Of Well-Being: A Critical Evaluation Of The Common Beliefs Survey –III. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, ۲۲(۳): ۱۳۲-۱۴۸.
۱۵. Fisher, R. (۲۰۰۷). Dialogical teaching: developing thinking and meta-cognition through philosophical discussion. *Early child and development*, ۱۷۷ (۶ & ۷): ۶۱۵-۶۳۱.
۱۶. Lipman, M. (۲۰۰۳). *Thinking in Education*, Cambridge University Press.
۱۷. Lukey, N. (۲۰۰۶). *Philosophy for Children Hawai'i and its influence on the development of students' reflective thinking in classroom discussions*. Unpublished Master thesis, M.Ed University of Hawai'i at Manoa.
۱۸. Mehta, R., & Whitebeard, A. (۲۰۰۵). Philosophy for children and moral Development in indian context. *Early child and development*, ۱۵۳(۳): ۲۱۱-۲۲۳.
۱۹. Weber, M. (۲۰۰۴). *The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*. New York: Charles Scribner's Sons.
۲۰. Weber, M. (۲۰۰۹). *Economy and Society*, ۲ Vols., G. Roth and C. Wittick (eds., trans.) Berkeley: University of California Press.